

گردشگری پایدار از تئوری تا تحقق: یک رویکرد انتقادی

زاهد شفیعی^۱، فیروزه فرخیان^۲، محمدعلی رجایی‌ریزی^۳ و مرضیه موغلی^۴
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱/۱۵، تاریخ تایید: ۱۳۹۵/۲/۱۵

چکیده

طی چند دهه‌ی اخیر، صنعت گردشگری به یکی از صنایع با اهمیت جهان و محرکی برای پیشرفت اجتماعی-اقتصادی مبدل شده است، روند صعودی تعداد گردشگران بین‌المللی نیز چشم‌انداز روشنی را برای این صنعت در سال‌های آینده به تصویر می‌کشد. هم‌زمان با اهمیت یافتن صنعت گردشگری، پیامدهای زیست‌محیطی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی- فرهنگی آن نیز، بیش از پیش در کانون توجه قرار گرفته است. با وجود پیامدهای مثبت بسیار، گردشگری اگر به صورت عقلانی برنامه‌ریزی و مدیریت نشود پیامدهای نامطلوب بسیاری نیز در پی خواهد داشت. به‌منظور به حداقل رساندن پیامدهای منفی احتمالی، مفهوم گردشگری پایدار مطرح شد که به معنای ایجاد تعادل میان سه بعد اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی- فرهنگی توسعه گردشگری است. واقعیت آنست که با وجود مورد پذیرش قرارگرفتن پارادایم گردشگری پایدار و صدور بیانیه‌ها و به امضا رسیدن توافقاتنامه‌های متعدد در سال‌های اخیر، در حوزه توسعه گردشگری پایدار فاصله زیادی میان حرف و عمل وجود دارد و تعداد اندکی از سیاست‌های مصوب، به نتایج مورد انتظار منتهی شده‌اند. در متون علمی مرتبط، به موانع بسیاری بر سر راه تحقق اصول گردشگری پایدار اشاره شده است. پژوهش کاربردی حاضر با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای، مراجعه به بانک اطلاعاتی نهادهای معتبر بین‌المللی و تجزیه و تحلیل محتوایی مفاهیم و داده‌های ثانویه گردآوری شده، استدلال می‌کند ریشه بروز تمامی این موانع را باید در دو عامل نهادینه نشدن پایبندی به اصول پایداری در فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی افراد جامعه و ناکارآمدی سیستم سنتی سیاستگذاری گردشگری جستجو کرد. این مقاله حرکت جوامع به سمت پذیرش پایبندی به اصول پایداری را مستلزم

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان، z.shafiei@au.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت جهانگردی دانشگاه هنر اصفهان

۳. گروه کارشناسی ارشد مهندسی معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان

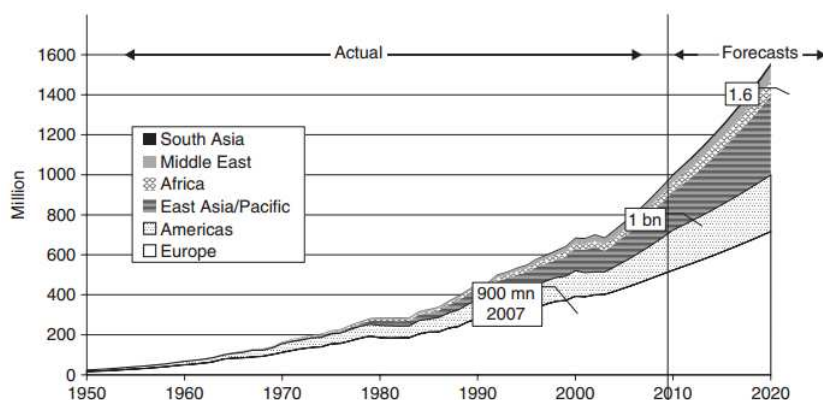
۴. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لارستان

فرهنگ سازی از طریق شیوه‌های رسمی و غیررسمی آموزش و تغییر جهت‌گیری نظام آموزشی فعلی می‌داند. هم چنین با این استدلال که در حوزه گردشگری، ضعف و اجرایی نشدن سیاست‌های موجود تا حد زیادی به محدودیت‌ها و ناکارآمدی ساختار تمرکزگرای سنتی سیاستگذاری حاکم بر گردشگری بازمی‌گردد، این مقاله حکمروایی خوب را به عنوان مفهومی که یک نظام سیاستگذاری کارآمد باید بر مبنای اصول آن شکل گیرد و یک رویکرد عملی برای حرکت به سمت توسعه پایدار گردشگری پیشنهاد می‌نماید.

کلیدواژگان: گردشگری پایدار، موانع تحقق، فرهنگ‌سازی، سیستم سیاستگذاری گردشگری.

مقدمه

طی شش دهه گذشته، صنعت گردشگری به یکی از بزرگ‌ترین بخش‌های اقتصادی جهان، با سریع‌ترین نرخ رشد مبدل شده است (سازمان جهانی گردشگری^۱، ۲۰۱۴). طبق تخمین شورای جهانی سفر و گردشگری، امروزه صنعت سفر و گردشگری تأمین‌کننده‌ی ۹٪ از تولید ناخالص داخلی جهانی، ۶٪ از صادرات جهانی و یک یازدهم تمامی مشاغل موجود است و ۹.۲٪ از کل سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در جهان را به‌خود اختصاص داده است (مجمع جهانی اقتصاد^۲، ۲۰۱۳؛ سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۱۴). تعداد گردشگران بین‌المللی ورودی نیز، علی‌رغم نوسانات گاه‌به‌گاه، رشد بی‌وقفه‌ای داشته و از ۲۵ میلیون نفر در سال ۱۹۵۰ به ۲۷۸ میلیون نفر در سال ۱۹۸۰، ۵۲۸ میلیون نفر در سال ۱۹۹۵ و ۱۰۸۷ میلیون نفر در سال ۲۰۱۳ رسیده است. در شکل زیر روند رشد واقعی و پیش‌بینی‌های صورت گرفته در مورد تعداد گردشگران بین‌المللی در فاصله سال‌های ۲۰۳۰-۱۹۵۰ میلادی قابل مشاهده است (سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۱۴):



شکل ۱: روند رشد واقعی و پیش‌بینی‌ها در مورد تعداد گردشگران بین‌المللی (سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۱۴)

سازمان ملل متحد، صنعت سفر و گردشگری را یکی از ده بخش اقتصادی با پتانسیل حرکت به سمت اقتصاد سبز و پایدار معرفی می‌کند، در بیانیه «آینده‌ای که ما خواهیم آن هستیم»^۳ (۲۰۱۲) صنعت گردشگری به عنوان یکی از بخش‌هایی معرفی شده است که قادر است نقش مهمی در تحقق سه بعد توسعه پایدار ایفا کند (سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۱۳).

1. World Tourism Organization
2. World Economic Forum
3. The future we want

امروزه مبدل شدن گردشگری به یک صنعت قدرتمند بین‌المللی واقعیتی غیرقابل انکار است، هم‌زمان با اهمیت یافتن این صنعت، تمرکز بر پیامدهای زیست‌محیطی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی - فرهنگی آن نیز افزایش می‌یابد (مک کول و مویسی^۱، ۲۰۰۸). با اذعان به وجود پیامدهای مثبت بسیار، گردشگری اگر به صورت عقلانی برنامه‌ریزی و مدیریت نشود، می‌تواند جوامع را دچار مشکلات متعددی در حوزه محیط زیست، اقتصاد و مسائل اجتماعی و فرهنگی نماید (سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۱۳).

گونه‌هایی از گردشگری که بر مبنای میراث طبیعی و فرهنگ محلی شکل می‌گیرند، پتانسیل بالایی برای اثرگذاری منفی بر منابعی که خود بر مبنای آن‌ها ایجاد شده‌اند را دارند معضلی که از آن تحت‌عنوان خود تخریبی صنعت گردشگری یاد می‌شود (مک‌کول و مویسی، ۲۰۰۸). مصرف بی‌رویه منابع تجدیدناپذیر از جمله آب، انرژی و سوخت‌های فسیلی، انتشار گازهای گلخانه‌ای و تغییرات آب و هوایی، در معرض خطر قرار گرفتن گونه‌های گیاهی و جانوری، تهدید یکپارچگی فرهنگی، کشمکش با جوامع محلی بر سر منابع محدود منطقه‌ای، افزایش جرم و جنایت و تهدید ارزش‌ها و سنت‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع تنها چند نمونه از پیامدهای گردشگری مدیریت نشده در یک مقصد است (برنامه توسعه سازمان ملل^۲، ۲۰۱۳؛ سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۱۳). برای به حداقل رساندن پیامدهای منفی احتمالی، گردشگری باید همسو با اصول پایداری توسعه یابد، گردشگری پایدار شکلی ملایم‌تر از گردشگری است که عموماً کوچک مقیاس است، در قبال پیامدهای فرهنگی و زیست‌محیطی حساسیت نشان می‌دهد و حق جوامع بومی برای مشارکت در تصمیمات و سیاستگذاری‌ها را به رسمیت می‌شناسد. این نگرش ناشی از باور به وجود محدودیت‌های اجتماعی و بیوفیزیکی برای توسعه گردشگری و این نکته است که گردشگری همچون هر فعالیت اقتصادی دیگر، می‌تواند یک جامعه را با اثرات منفی اجتماعی و زیست‌محیطی خود، تحت شعاع قرار دهد (مک کول و مویسی، ۲۰۰۸؛ برنامه توسعه سازمان ملل، ۲۰۱۳).

ادبیات تحقیق

در این بخش به تبیین مفاهیم کلیدی تحقیق پرداخته می‌شود.

گردشگری پایدار: عبارت گردشگری پایدار از اواخر دهه ۸۰ میلادی مصطلح شد (سوربروک^۳، ۱۹۹۹)، ریشه گردشگری پایدار به مفهوم کلی‌تر توسعه پایدار باز می‌گردد. در ابتدای امر، نگرانی‌های فزاینده در

-
1. McCool and Moisey
 2. United Nations Development Program(UNDP)
 3. Swarbrooke

رابطه با وضعیت محیط زیست جهانی توسط نشریاتی چون بهار خاموش ریچل کارسون^۱ و گزارش کلاب رم^۲ به گوش عموم رسید، این نشریات هم‌راستا با بیانیه «آینده‌ای که ما خواهان آن هستیم» کمیسیون بروندتلند^۳ (۱۹۸۷) استدلال می‌کردند بقای نوع بشر در گروی اتخاذ پارادایم جدیدی از توسعه، تحت‌عنوان «توسعه پایدار» است و تنها روش موثر حفاظت از محیط زیست، در عین حال دستیابی به پیشرفت اقتصادی، فقرزدایی و احترام به حقوق بشر، گذار به یک پارادایم توسعه است که تامین نیازهای فعلی و آتی را هم‌زمان مدنظر قرار می‌دهد (مک‌کول و مویسی، ۲۰۰۸). کمیسیون بروندتلند بر اساس این ایده مورفی^۴ (۱۹۹۵) شکل گرفته است که ما زمین را از پدرانمان به ارث نبرده‌ایم بلکه آن را از فرزندانمان به امانت گرفته‌ایم (سوربروک، ۱۹۹۹).

به تدریج پارادایم توسعه پایدار در اکثر زمینه‌های علمی نظیر اکولوژی، اقتصاد، مدیریت، علوم سیاسی، علوم اجتماعی و ... مورد توجه قرار گرفت. تبدیل توسعه پایدار به یک واقعیت، مستلزم پیوستن صنایع بزرگ جهان از جمله صنعت سفر و گردشگری به این جریان فزاینده بود. سازمان ملل متحد، گردشگری پایدار را این‌گونه تعریف می‌کند: «نوعی از گردشگری که پیامدهای اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی فعلی و آتی خود را کاملاً مدنظر قرار می‌دهد و در قبال این پیامدها مسئول و متعهد است و به تامین نیازهای بازدیدکنندگان، صنعت گردشگری، محیط زیست و جامعه میزبان می‌پردازد». (برنامه توسعه سازمان ملل، ۲۰۱۳). در سایت سازمان جهانی گردشگری^۵ آمده است پایداری به معنی ایجاد تعادل میان سه بعد اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی - فرهنگی توسعه است. مثلث طلایی گردشگری پایدار از سه بعد تشکیل شده است، گردشگری پایدار باید:

۱. از منابع زیست محیطی که عنصر کلیدی توسعه گردشگری هستند استفاده بهینه نماید، از فرآیندهای زیست محیطی ضروری محافظت نماید و به حفاظت از منابع طبیعی و تنوع زیستی کمک نماید.
۲. به اصالت اجتماعی- فرهنگی جوامع میزبان احترام بگذارد، میراث فرهنگی ملموس و ناملموس و ارزش های سنتی آن‌ها را حفظ کند و به ارتقای تحمل و درک بین فرهنگی کمک کند.

1. Rachel Carson's Silent Spring
 2. Club of Rome Report
 3. Brundtland Commission
 4. Murphy
 5. <http://sdt.unwto.org/content/about-us-5>

۳. از فعالیت‌های اقتصادی پایدار و بلند مدت، فراهم آمدن و توزیع عادلانه منافع اجتماعی - اقتصادی برای تمامی ذینفعان از طریق روش‌هایی چون ایجاد اشتغال پایدار، فرصت‌های کسب درآمد و خدمات اجتماعی برای جوامع محلی و کمک به فقرزدایی اطمینان حاصل کند.

گردشگری پایدار: تئوری یا واقعیت؟

باید اقرار کرد توسعه پایدار هنوز به یک واقعیت مبدل نشده است. جهان امروز هنوز از نابرابری، فقر و بحران‌های اجتماعی و زیست‌محیطی رنج می‌برد. در حال حاضر حدوداً نیمی از جمعیت جهان (بیش از سه میلیارد نفر) با درآمد روزانه کمتر از ۲.۵ دلار به سر می‌برند^۱، ۸۰۰ میلیون نفر به آب سالم دسترسی ندارند و سالیانه ۳.۴ میلیون نفر در اثر مسائل مرتبط با بهداشت، آب و فاضلاب جان خود را از دست می‌دهند که ۹۹ درصد از این آمار مرگ‌ومیر در کشورهای در حال توسعه رخ می‌دهد (سازمان بهداشت جهانی^۲، ۲۰۰۸). در سایت مشکلات جهانی^۳ آمده است در سال ۲۰۰۵، ثروتمندان جهان (بیشتر درصد جمعیت جهان) بیش از ۷۶.۶ درصد از مجموع مصرف شخصی را به خود اختصاص داده‌اند در حالی که این رقم برای بیست درصد جمعیت فقیر جهان، تنها ۱.۵ درصد بوده است. شواهد نشان می‌دهند در بسیاری از کشورهای جهان، فاصله درآمدی و طبقاتی و نابرابری‌های اجتماعی در حال افزایش‌اند. ادامه روند کنونی و استفاده مدیریت نشده از منابع تجدیدناپذیر و برهم زدن تعادل سیستم‌های اکولوژیکی موجب وقوع بحران‌های زیست‌محیطی بسیاری در سال‌های پیش‌رو خواهد شد، افزون بر این، سازمان ملل متحد تخمین می‌زند جمعیت ۷ میلیاردی جهان تا سال ۲۰۵۰ به ۹ میلیارد افزایش یابد، این به معنای ایجاد تقاضای بیشتر برای منابعی است که در حال حاضر نیز پاسخگوی نیازهای جمعیت کنونی نیستند^۴. پس از کمیسیون برون‌تولد (۱۹۸۷) حجم قابل توجهی از متون علمی در رابطه با مفهوم توسعه پایدار گردشگری تولید شد (گوسلینگ^۵ و همکاران، ۲۰۰۹) و بیانیه‌ها و توافقنامه‌های متعددی در رابطه با توسعه پایدار توسط سیاستگذاران کشورهای مختلف جهان به امضا رسید که از آن جمله می‌توان به محدودیت‌های رشد^۶ (۱۹۷۲)، راهبرد حفاظت از جهان^۷ (۱۹۸۰)، آینده مشترک ما^۱ (۱۹۸۷)، دستورالعمل

-
1. <http://www.globalissues.org/article/26/poverty-facts-and-stats#src18>
 2. World Health Organization
 3. Global Issues
 4. <http://www.un.org/en/sustainablefuture/sustainability.shtml>
 5. Gossling
 6. limits to growth
 7. world conservation strategy

محلی بیست و یک^۲ (۱۹۹۲)، منشور لانزارت برای توسعه پایدار^۳ (۱۹۹۵)، اجلاس جهانی توسعه پایدار^۴ (۲۰۰۲) و ... اشاره کرد، این بیانیه‌ها و توافقاتها به‌رغم مورد پذیرش واقع شدن از سوی بسیاری از دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی، به ندرت در عمل به صورت موثر به اجرا گذاشته شده‌اند (علیپور^۵ و همکاران، ۲۰۱۱). واقعیت آن است که در حوزه توسعه گردشگری پایدار فاصله زیادی میان حرف و عمل وجود دارد، سیاست‌ها و طرح‌های جامع بسیاری در حوزه گردشگری پایدار ایجاد شده‌اند اما به ندرت به اهداف و نتایج مطلوب دست یافته‌اند (ياساراتا^۶ و همکاران، ۲۰۱۰).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، در دسته پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای، مراجعه به بانک اطلاعاتی نهادهای معتبر بین‌المللی و تجزیه و تحلیل محتوایی مفاهیم و داده‌های ثانویه گردآوری شده، با نگرشی انتقادی به مفهوم گردشگری پایدار و موانع و راهکارهای تحقق آن می‌پردازد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، پس از مرور ادبیات موجود در حوزه موانع تحقق گردشگری پایدار، دو عامل نهادینه نشدن پایبندی به اصول پایداری در فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی افراد جامعه و ناکارآمدی سیستم سستی سیاستگذاری گردشگری به‌عنوان موانع اصلی تحقق گردشگری پایدار به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرند و بر این مبنای پیشنهاداتی جهت حرکت به سمت تحقق گردشگری پایدار ارائه می‌گردد.

موانع کلیدی تحقق گردشگری پایدار

با مرور متون علمی، عوامل متعددی را می‌توان یافت که از آن‌ها تحت عنوان موانع تحقق گردشگری پایدار یاد شده است، در متون علمی مرتبط، به موانعی نظیر نگرش و چارچوب اخلاقی افراد جامعه،

-
1. our common future
 2. local agenda
 3. Lanzarote Charter for Sustainable Tourism
 4. world summit on sustainable development
 5. Alipour
 6. Yasarataa

توزیع نامتناسب قدرت میان ذی‌نفعان جامعه، عدم مشارکت‌دهی همه ذی‌نفعان در مراحل مختلف تصمیم‌گیری و اجرا، بی‌توجهی به نحوه و کیفیت تعامل ذی‌نفعان، ارجحیت دادن نظام سیاستگذاری به ملاحظات اقتصادی، اجماع ضعیف و همکاری سطحی و ناکارآمد ذی‌نفعان، تغییرات سریع نظام‌های حکومتی، منازعات سیاسی، فقدان اراده و یکپارچگی میان بخش‌های مختلف حکومت، دیوان‌سالاری حکومتی، منازعات سیاسی و بی‌توجهی به لزوم پرداختن به اصولی چون پاسخگویی، همکاری موثر و یکپارچگی، مشارکت محلی و مبارزه با تبعیض، خویش و قوم‌گرایی و کوتاه‌بینی و ... اشاره شده است (علیپور و همکاران، ۲۰۱۱؛ دادز، ۲۰۱۲؛ دادز و باتلر، ۲۰۱۰؛ دادز و گریسی، ۲۰۰۸؛ یاساراتا و همکاران، ۲۰۱۰). همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، در بسیاری از موارد توسعه‌گردشگری پایدار در حد یک گفتمان و شعار باقی مانده است و با واقعیت فاصله دارد، اگرچه تمامی موانعی که پیشتر ذکر شد مانع محقق شدن گردشگری مبتنی بر اصول پایداری هستند، این مقاله استدلال می‌کند ریشه بروز تمامی این موانع را باید در دو عامل «نهادینه نشدن پایداری به اصول پایداری در فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی افراد جامعه» و «ناکارآمدی سیستم سنتی سیاستگذاری گردشگری» جستجو کرد.

نهادینه نشدن پایداری به اصول پایداری در فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی افراد جامعه

باید دانست که توسعه پایدار به همان اندازه که یک مفهوم سیاسی و علمی است یک ارزش اخلاقی نیز هست. در بیانیه کمیسیون بروندتلند آمده است: «تلاش ما بر این بوده است که نشان دهیم بقا و رفاه نوع بشر منوط به موفقیت ما در نهادینه کردن اصول پایداری در نظام اخلاقی جهانی است»^۴ همان‌گونه که پارلاتو^۵ (۲۰۰۴) اشاره می‌کند: «شکل‌گیری یک نگرش دلسوزانه نسبت به محیط زیست که منجر به تغییرات رفتاری شود زمانی محتمل‌تر است که فرد از طریق باورها و نظام ارزشی و اعتقادی شخصی خود انگیزه شود و نه این‌که این نگرش به‌عنوان یک الزام قانونی یا یک ایده‌آل اجتماعی و سیاسی تحمیل شود» (دادز و باتلر، ۲۰۰۹). اخلاقیات سبب می‌شوند افراد جامعه برای جهان پیرامونشان اهمیت قائل شوند، در سبک زندگی خود تغییر ایجاد کنند و از میان گزینه‌های جایگزین، گزینه‌ای را برگزینند که هم‌راستا با نظام اخلاقی شخصیشان است. در توسعه پایدار اغلب تأکید زیادی بر نقش ارزش‌ها و

1. Dodds

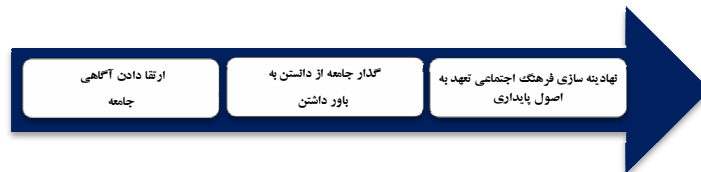
2. Butler

3. Graci

4. <http://www.balticuniv.uu.se/index.php/1d-what-we-believe-in--our-values-and-sustainable-development>

5. Parlato

اخلاقیات افراد جامعه می‌شود. توجه به اهمیت برانگیختن احساسات و عواطف افراد جامعه نیز در بحث محقق کردن اصول توسعه پایدار کلیدی است. تاکنون رویکردهای موجود در رابطه با ترویج پایداری، بیشتر بر مبنای علوم طبیعی و اقتصاد بوده‌اند، اما متمایل کردن جامعه به حرکت به سوی توسعه پایدار چیزی فراتر از استدلال‌های عقلانی و علمی طلب می‌کند، توسعه پایدار زمانی از شکل یک گفتمان و شعار به یک واقعیت مبدل می‌شود که در وهله اول آگاهی جامعه در این حوزه توسط شیوه‌های رسمی و غیررسمی آموزش ارتقا یابد و در مرحله بعد این دانش و آگاهی به باور تبدیل شود و در نظام ارزشی جامعه نهادینه گردد و در نهایت با ایجاد فرهنگ جهانی تعهد به اصول پایداری است که حرکت در مسیر پایداری محقق می‌گردد. مبدل شدن توسعه پایدار به یک واقعیت مستلزم آن است که علاوه بر مغزها، قلب‌های افراد جامعه نیز در این فرآیند درگیر شوند.



شکل ۲: ملزومات حرکت جامعه به سمت توسعه پایدار (محققان، ۲۰۱۴)

محقق شدن اصول پایداری در جوامع انسانی امکان‌پذیر است، برای هزاران سال جوامع انسانی ثابت کرده‌اند زندگی به شیوه پایدار و در تعادل با محیط طبیعی ممکن است. پایداری بلندمدت نظام‌های اقتصادی و فرهنگی جوامع بومی ریشه در سیستم آموزش بومی داشت که انسان و محیط طبیعی را به هم وابسته و کاملاً در ارتباط با یکدیگر تعریف می‌نمود. رویکرد جوامع بومی به آموزش سبب می‌شد انسان و محیط طبیعی از طریق فرهنگ با یکدیگر پیوند داده شوند. متأسفانه، دانش و نظام فکری حاکم بر جوامع بومی در اثر عواملی چون استعمار، صنعتی شدن و جهانی شدن روز به روز تضعیف شده‌اند و توسط دیدگاه‌های کوتاه‌بینانه‌ای جایگزین شده‌اند که تأکید می‌کنند محیط طبیعی و فرهنگ تا زمانی با ارزشند که از لحاظ اقتصادی مولد باشند.

حرکت جوامع به سمت پذیرش فرهنگ پایداری، نیازمند تغییر جهت‌گیری نظام آموزشی معاصر است چراکه آموزش موثرترین و قدرتمندترین ابزاری است که جوامع در مواجهه با چالش‌های آینده در اختیار دارند. آموزش جهت ایجاد فرهنگ پایبندی به اصول پایداری و افزایش مسئولیت‌پذیری افراد جامعه از تمامی گروه‌های سنی، در قبال ساختن یک آینده پایدار، حیاتی است. نهادینه کردن اصول پایداری در نظام ارزشی افراد، باید از سنین پایین آغاز گردد و در محتوای دروس مدارس گنجانده شود. در همین راستا در فصل ۳۶ دستورالعمل ۲۱ در رابطه با آموزش، ارتقای آگاهی و پرورش آمده

است: «... آموزش شامل آموزش رسمی و غیررسمی، ارتقای آگاهی عمومی و پرورش جهت‌دستیابی به آگاهی زیست محیطی و اخلاقی، تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌ها، ایجاد مهارت‌ها و رفتارهای همسو با توسعه پایدار و هم چنین برای مشارکت‌دهی موثر جوامع در فرآیندهای تصمیم‌گیری ضروری است...» (یونسکو^۱، ۲۰۰۲).

امروزه ارتقای آگاهی جامعه در رابطه با مسائل زیست محیطی و اجتماعی در بسیاری از کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته است، اغلب مردم از طریق رسانه‌های عمومی از اخبار مرتبط مطلع می‌شوند، اما توسعه پایدار را نه به‌عنوان یک ضرورت و نیاز فوری که به‌عنوان یک رویکرد ایده‌آل می‌بینند، مشکل اصلی در اینجا است که آگاهی و دانش این افراد به باور مبذل نشده است و در نتیجه نظام ارزشی و آموزشی مدرن، خود را جزئی از نظام اکولوژیکی جهان نمی‌دانند و در جایگاه یک ناظر خارجی به بحران‌های موجود می‌نگرند. نگرش و نظام اعتقادی این افراد باید از طریق شیوه‌های رسمی و غیررسمی آموزش متحول گردد به‌گونه‌ای که انسان خود را نه محور نظام هستی که بخشی از آن تلقی کند.

در حوزه گردشگری نیز گردشگران، جامعه محلی و تمامی ذینفعان درگیر در این صنعت باید جهت نهادینه کردن فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی همسو با اصول پایداری آموزش داده شوند. به عنوان مثال در سایت برنامه آموزشی یونسکو تحت‌عنوان «آموزش و یادگیری برای آینده‌ای پایدار^۲» که همسو با اجلاس سازمان ملل در رابطه با توسعه پایدار (۲۰۰۲) شکل گرفته است، بر اهمیت آموزش و آگاهی بخشی در توسعه پایدار گردشگری تأکید بسیاری شده است. ثابت شده است اگر گردشگران از پیامدهای گردشگری به خوبی مطلع شوند و آگاهی آن‌ها در مورد شیوه‌هایی که گردشگری می‌تواند رفاه جوامع را افزایش دهد و از میراث فرهنگی و طبیعی حفاظت کند افزایش یابد مسئولانه‌تر به تعطیلات می‌روند و نسبت به انواعی از گردشگری که کیفیت محیط زیست و توسعه پایدار جوامع انسانی را در پی دارند از نظر اخلاقی متعهد می‌شوند.^۳

ناکارآمدی سیستم سنتی سیاستگذاری گردشگری

علاوه بر نهادینه کردن فرهنگ پایبندی به اصول پایداری، بازنگری در شیوه‌های سنتی سیاستگذاری نیز جهت تغییر جهت‌گیری توسعه به سمت پایداری حیاتی است (بازلین و همکاران، ۲۰۰۸). در حال

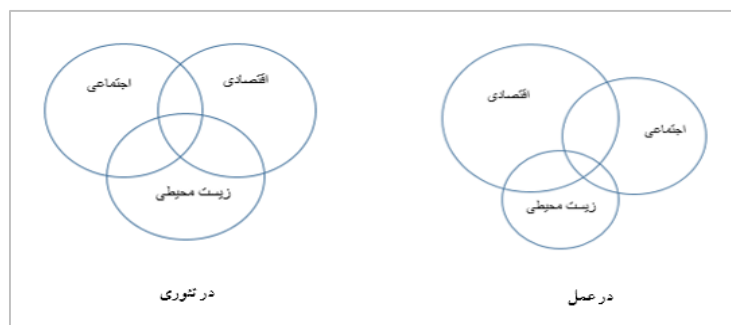
-
1. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization
 2. Teaching and Learning for a Sustainable Future
 3. http://www.unesco.org/education/tlsf/mods/theme_c/mod16.html

حاضر پژوهش‌های بسیاری در رابطه با سیاستگذاری گردشگری و حجم قابل توجهی از اطلاعات در رابطه با گردشگری پایدار وجود دارد، اما فقط تعداد محدودی پژوهش در حوزه اجرای سیاست‌های گردشگری بالاخص گردشگری پایدار انجام شده است. بیشتر گفته‌شد در حوزه توسعه گردشگری پایدار فاصله زیادی میان حرف و عمل، تئوری و اقدامات عملی وجود دارد. همان‌گونه که الیوت^۱ (۱۹۹۷) اشاره کرده است: «سیاست‌ها و تصمیمات مدیریتی از کاغذی که بر آن نوشته می‌شوند کم‌ارزش‌ترند مگر آن‌که به مرحله اجرا درآیند» (دادز و باتلر، ۲۰۱۰). علت اصلی اجرایی نشدن یک سیاست را باید در سیستم سیاستگذاری مولد آن جستجو کرد چراکه همان‌گونه که هال^۲ (۲۰۰۸) اشاره کرده است سیاست و اجرای سیاست دو روی یک سکه اند و قابلیت اجرایی داشتن سیاست‌ها باید در تمام مراحل فرآیند سیاستگذاری مدنظر قرارگیرد. در حوزه گردشگری، ضعف و اجرایی نشدن سیاست‌های موجود تا حد زیادی به محدودیت‌ها و ناکارآمدی ساختار سنتی سیاستگذاری حاکم بر گردشگری بازمی‌گردد. سیستم سنتی سیاستگذاری حاکم بر گردشگری محدودیت‌هایی دارد که مانع می‌شوند سیاست‌های خروجی چنین نظام‌هایی قابلیت اجرایی داشته باشند، سه مورد از مهم‌ترین این محدودیت‌ها به شرح زیرند:

- ارجحیت دادن به ملاحظات اقتصادی نسبت به ملاحظات فرهنگی - اجتماعی و زیست محیطی
- عدم مشارکت‌دهی موثر تمامی ذینفعان در نتیجه ساختار تمرکزگرای سلسله مراتبی سیاستگذاری و اعمال نفوذ و کنترل دولت مرکزی و گروه‌های نفوذ
- عدم توجه به فرآیندها، نحوه و کیفیت تعامل ذینفعان
- در ادامه به تشریح سه محدودیت نظام سنتی سیاستگذاری گردشگری پرداخته خواهد شد:
- ارجحیت دادن به ملاحظات اقتصادی نسبت به ملاحظات فرهنگی - اجتماعی و زیست محیطی
- در نتیجه غلبه ایدئولوژی نئولیبرال، اغلب نهادهای دموکراتیک، حکومت‌ها، احزاب سیاسی و رسانه‌های جمعی جهانی، بر رشد اقتصادی متمرکز شده‌اند، سیستم سنتی سیاستگذاری در حوزه گردشگری نیز از این قاعده مستثنی نبوده است (بازل من^۳ و همکاران، ۲۰۰۸). در اولویت قرار گرفتن بعد اقتصادی به‌ویژه در سطوح حاکمیتی، منجر به شکل‌گیری سیاست‌هایی می‌شود که به قیمت نادیده گرفته شدن ملاحظات اجتماعی و زیست محیطی، رشد اقتصادی را در پی دارند، چنین رشدی با مفهوم توسعه پایدار در تضاد آشکار است. در شکل زیر حالت ایده‌آل توسعه پایدار را در سمت چپ و آنچه در واقعیت در اثر غلبه

1. Elliot
2. Hall
3. Bosselmann

بعد اقتصادی بر دو بعد دیگر رخ داده است را در سمت راست، می‌توان مشاهده کرد (اتحادیه حفاظت جهانی^۱، ۲۰۰۶):



شکل ۳: توسعه پایدار در تئوری و در عمل (اتحادیه حفاظت جهانی، ۲۰۰۶)

این محدودیت نظام سیاستگذاری سنتی که منجر به ایجاد سیاست‌هایی در حوزه توسعه گردشگری پایدار شده است که قابلیت اجرایی ندارند توسط محققان بسیاری مورد اشاره قرار گرفته است از آن جمله می‌توان به فایوس - سولا^۲ (۱۹۹۶)، الیوت (۱۹۹۷)، هاشیموتو^۳ (۱۹۹۹) و بیانچی^۴ (۲۰۰۴) اشاره نمود. بسیاری از محققان این محدودیت را ناشی از دوره کوتاه‌مدت (۴-۵ ساله) مدیریت‌های سیاسی می‌دانند، این مسئله موجب می‌شود مقامات سیاسی بر اهداف کوتاه‌مدت و زود بازده اقتصادی نظیر اشتغالزایی و توسعه مشاغل در کوتاه مدت تمرکز کنند چرا که عینی و ملموس‌ترند و رضایت اذهان عمومی را در پی دارند، از طرفی تحولات اجتماعی - فرهنگی و زیست‌محیطی زمانبر، تدریجی و دیربازده هستند و عموماً در بازه زمانی بیش از ۱۰ سال به نتیجه می‌رسند. بخش خصوصی نیز با تمرکز بر بازگشت سرمایه و سودآوری اقتصادی در کوتاه مدت به این معضل دامن می‌زند (دادز و باتلر، ۲۰۰۹).

عدم مشارکت دهی موثر تمامی ذینفعان در نتیجه ساختار متمرکزگرای سلسله مراتبی سیاستگذاری و اعمال نفوذ و کنترل دولت مرکزی و گروه‌های نفوذ

محدودیت دیگر نظام سنتی سیاستگذاری حاکم بر گردشگری عدم مشارکت دهی موثر ذینفعان در فرایند سیاستگذاری و اعمال سیاست‌هاست. مفهوم توسعه پایدار در ذات خود با ذینفعان و ایجاد تعادل میان منافع آن‌ها مرتبط است (سوربروک، ۱۹۹۹).

1. World Conservation Union
2. Fayos-Sola
3. Hashimoto
4. Bianchi

مفهوم مشارکت اجتماعی برای نخستین بار در دهه نود میلادی مورد پذیرش برنامه‌ریزان و مدیران قرار گرفت (کارت و دارلو^۱؛ کینگ و فلتی^۲، ۱۹۹۸؛ استیلمن^۳، ۲۰۰۱). کوری^۴ (۲۰۰۱) استدلال می‌کند اهمیت یافتن مشارکت ذینفعان نتیجه قابل پیش‌بینی توجه دموکراسی‌های رشد یافته به حقوق شهروندان، در نتیجه تعریف مسئولیت‌های بیشتر برای آنهاست. دلیل دیگر این روند را می‌توان در بی‌اعتمادی جامعه نسبت به سیاستگذاران جستجو کرد. مشارکت‌دهی ذینفعان اشکال و سطوح رسمی و غیررسمی متعددی دارد، اشکال مختلف مشارکت‌دهی ذینفعان می‌تواند شامل جلسات عمومی، کمیته‌های مشورتی، نظرسنجی، گروه‌های متمرکز، شور و مشورت عمومی، همکاری، گروه‌های کاری، مطالعات اجرایی و کمیته‌های تجدید نظر شهروندی باشد (برد^۵، ۲۰۰۷).

باید توجه داشت که اشکال مختلف مشارکت‌دهی، سطوح یکسانی از مشارکت را ایجاد نمی‌کنند. طبق طیف مشارکت عمومی انجمن بین‌المللی برای مشارکت عمومی^۶ آگاه‌سازی، مشورت کردن، مشارکت دادن، همکاری کردن و توانمندسازی سطوح مختلف مشارکت‌دهی عمومی هستند و هرچه طیف به سمت توانمندسازی پیش برود سطح و کیفیت مشارکت افراد جامعه در فرآیندهای سیاستگذاری افزایش می‌یابد (انجمن بین‌المللی برای مشارکت عمومی، ۲۰۰۷). اشاره به این نکته حائز اهمیت است که مشارکت‌دهی ذینفعان زمانی موثر واقع می‌شود که در تمامی مراحل سیاستگذاری و نه فقط در مراحل ابتدایی مشارکت داده شوند. برامول و شرمان^۷ (۱۹۹۹) منافع مشارکت‌دهی ذینفعان و اجماع و همکاری میان آنها را چنین برمی‌شمرد (کریموگلو و سیراسی^۸، ۲۰۰۸):

۱. این همکاری هزینه‌های حل و فصل منازعات احتمالی میان ذینفعان در درازمدت را به حداقل می‌رساند.
۲. روابط همکارانه از نظر سیاسی مشروعیت بیشتری خواهند داشت اگر به ذینفعان قدرت تأثیرگذاری بیشتری بر تصمیماتی دهند که زندگی آنها را تحت شعاع قرار می‌دهند.
۳. این همکاری هماهنگی میان سیاست‌ها و اقدامات مرتبط با اجرای سیاستها را بهبود می‌بخشد، و توجه هم‌زمان به پیامدهای اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی گردشگری را ارتقا می‌دهد. نتایج حاصله به احتمال بسیار زیاد پایدار و کارآمدتر خواهند بود.

1. Carter & Darlow
 2. King & Feltey
 3. Steelman
 4. Curry
 5. Byrd
 6. International Association for Public Participation
 7. Bramwell and Sharman
 8. Kerimoglu and Ciraci

۴. همکاری از طریق هم‌افزایی دانش، بینش و توانایی‌های ذینفعان مختلف یک مقصد، ایجاد ارزش افزوده می‌کند، به‌عنوان مثال روبرتز و بردلی^۱ (۱۹۹۱) معتقدند به اشتراک گذاشته شدن ایده‌ها در میان ذینفعان منجر به فهم عمیق‌تر مشکلات می‌گردد و در نتیجه سیاستهای خلاقانه و موثرتری حاصل می‌شوند. حقیقت آن است که فرآیندهای سیاستگذاری که مشارکت طیف وسیعی از ذینفعان را دربرمی‌گیرند فرآیندهایی تعاملی، تدریجی و زمانبر هستند اما نتایج چنین فرآیندهایی به نسبت سایر فرآیندهای متمرکز غیرمشارکتی، به مراتب امکان بیشتری برای اجرایی شدن دارند (هال، ۲۰۰۸؛ کریموقلو و سیراسی، ۲۰۰۸) چراکه ذینفعان درجه تعهد و مالکیت بیشتری نسبت به طرح و فرآیندهای تعریف شده دارند.

عدم توجه به فرآیندها، نحوه و کیفیت تعامل ذینفعان

نظام سنتی سیاستگذاری در حوزه گردشگری به سمت برنامه‌های تولید محور و نتیجه‌گرا متمایل است و توجه چندانی به فرآیندها و چگونگی رسیدن به هدف نهایی ندارد. در نتیجه چنین نگرشی در چنین نظام‌های سیاستگذاری توجه اندکی به نحوه و کیفیت تعاملات ذینفعان می‌شود. برای آن‌که ذینفعان گردشگری به صورت موثری در توسعه گردشگری دخیل شوند، ضروری است به دو پرسش اساسی زیر پاسخ داده شود (برد، ۲۰۰۷):

۱. در توسعه گردشگری چه افراد و سازمان‌هایی را می‌توان ذینفع محسوب کرد؟

۲. چگونه باید این ذینفعان را در فرآیندهای توسعه گردشگری دخیل کرد؟

در پاسخ به پرسش نخست، ضروری است ابتدا تعریفی از اصطلاح ذینفع ارائه داده شود، هر فرد یا گروهی که قادر باشد عملکرد سازمان را تحت‌تاثیر قرار دهد و یا تحت‌تاثیر دستیابی سازمان به اهدافش قرار گیرد را می‌توان ذینفع به حساب آورد. در حوزه گردشگری پایدار، ذینفعان شامل سازمان‌های بین‌المللی کمک به توسعه، حکومت‌های ملی، حکومت‌های محلی و سازمانهای مدیریت مقصد، کسب و کارهای بخش خصوصی، کارمندان و نهادهای مرتبط، سازمان‌های غیردولتی (در سطح بین‌المللی، ملی و محلی)، نهادهای آموزش و پرورشی، جامعه محلی، مصرف‌کنندگان (گردشگران) و همچنین نسل‌های آینده می‌شوند (سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۱۳).

در پاسخ به پرسش دوم، به تعریف ساختاری برای سیاستگذاری در حوزه گردشگری نیازمندیم که درچارچوب آن صدای تمامی ذینفعان شنیده می‌شود و تامین منافع آنها لحاظ می‌گردد. ساختاری که

1. Roberts and Bradley

علاوه بر این که تعهد ذینفعان به سیاست‌ها را به واسطه مشارکت‌دهی تمامی آن‌ها در فرآیند سیاست‌گذاری تضمین می‌کند، نحوه تعامل موثر آنها را نیز مورد توجه قرار می‌دهد.

این مقاله حکمروایی خوب^۱ را به عنوان مفهومی که یک نظام سیاست‌گذاری کارآمد باید بر مبنای اصول آن شکل گیرد و یک رویکرد عملی برای حرکت به سمت برنامه‌ریزی موفق توسعه پایدار گردشگری پیشنهاد می‌کند. نخست تعریفی از حکمروایی ارائه می‌گردد، حکمروایی در رابطه با این است که چه کسانی و چگونه تصمیم‌گیری می‌کنند و چه کسانی تحت‌تأثیر تصمیمات قرار می‌گیرند. حکمروایی در ذات خود علاوه بر اینکه به ذینفعان و تصمیم‌گیرندگان می‌پردازد به فرآیندها نیز توجه دارد (شفیعی، ۲۰۱۱). حکمروایی و ساختارهای مبتنی بر آن مشارکتی، مبتنی بر توافق جمعی، پاسخگو، شفاف، موثر، کارآمد، عادلانه، فراگیر و مبتنی بر حاکمیت قانون هستند. حکمروایی اطمینان حاصل می‌کند که فساد به حداقل برسد، صدای اقلیت‌ها و اقشار ضعیف جامعه شنیده شود و در قبال تامین نیازهای نسل فعلی و آتی پاسخگوست (علیپور و همکاران، ۲۰۱۱).

حکمروایی خوب شکل کارآمدتر و به روزتر حکمروایی است که در پاسخ به نیازهای متغیر جوامع به وجود آمده است، اگر حکمروایی را تعاملات مابین ذینفعان مختلف تعریف کنیم حکمروایی خوب را می‌توان شیوه‌ای دانست که از طریق آن تعاملات موثر حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی به وقوع می‌پیوندد (شفیعی، ۲۰۱۱). حکمروایی خوب را می‌توان به صورت یک فرآیند مطلوب‌تر سیاست‌گذاری و همچنین فرآیندی که طی آن سیاست‌های مطلوب‌تر، به اجرا در می‌آیند تعریف نمود که بر اصولی چون مشارکت، پاسخگویی، شفافیت، عدالت و کارآمدی استوار است.

همان‌گونه که کمپ^۲ و همکاران (۲۰۰۵) اشاره داشته‌اند: حکمروایی و توسعه پایدار، کودکان یک دوره تاریخی هستند و هر دو مفهوم با خصوصیات مشترک در اواخر دهه ۸۰ میلادی ظهور کردند با این وجود هنوز تعریف مشخصی از حکمروایی برای توسعه پایدار ارائه نشده است (لیگی^۳، ۲۰۱۱). با در نظر گرفتن این نکته که گردشگری پدیده‌ای چندوجهی و دربرگیرنده بخش‌های اقتصادی - اجتماعی متعدد و ذینفعان مختلف است حرکت به سمت گردشگری پایدار نیازمند یک سیستم حکمروایی قدرتمند است. هم‌زمان با اهمیت یافتن گردشگری، حکمروایی در گردشگری نیز در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است.

1. Good Governance

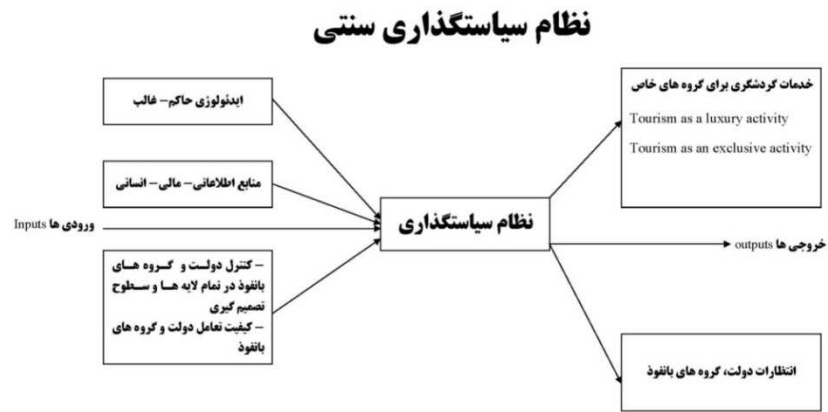
2. Kemp

3. Ligay

در دهه‌های اخیر نظام سیاست‌گذاری گردشگری اکثر کشورهای موفق جهان در حوزه گردشگری، با یک تغییر در مفهوم و اصول روبرو بوده است و نظام سنتی تمرکزگرای سلسله مراتبی حاکم بر گردشگری با نظام سیاست‌گذاری منعطف‌تر مبتنی بر اصول حکمروایی خوب جایگزین شده است چرا که به کرات دیده می‌شد سیاست‌هایی که در چارچوب سیستم‌های سیاست‌گذاری سنتی شکل می‌گرفتند در مرحله اجرایی شدن با مشکلات بسیاری مواجه می‌گردند. در ادامه به مقایسه سیستم سنتی سیاست‌گذاری حاکم بر گردشگری و سیستم معاصر مبتنی بر اصول حکمروایی خوب پرداخته می‌شود:

در نظام سنتی، سیاست‌گذاری بر مبنای ایدئولوژی غالب بر جامعه - ارجحیت‌دادن ملاحظات اقتصادی بر ملاحظات اجتماعی و زیست‌محیطی - و تحت نظارت دولت و گروه‌های فشار صورت می‌پذیرد، مشارکت ذینفعان مختلف حوزه گردشگری در فرآیند سیاست‌گذاری و اعمال سیاست‌ها محدود و کنترل شده است. علاوه بر این، از آنجا که سیاست‌گذاری و اعمال سیاست‌ها منحصراً در اختیار دولت و گروه‌های فشار است و نظارت واقعی بر عملکرد آنها وجود ندارد، در قبال تصمیمات و اقدامات خود در برابر سایر ذینفعان جامعه پاسخگو نیستند. انحصار، رقابت‌پذیری را به حداقل می‌رساند و در نهایت منجر به کاهش کارآمدی و قابلیت اجرایی شدن سیاست‌ها و تصمیمات اتخاذ شده می‌گردد.

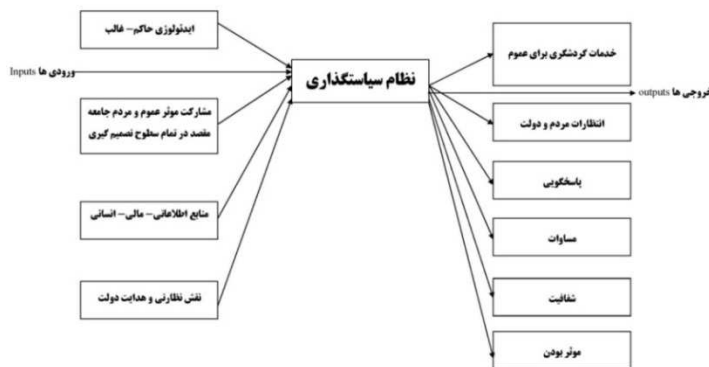
سیاست‌هایی که در چنین چارچوبی شکل می‌گیرند به علت عدم مشارکت تمامی ذینفعان جامعه و در نظر گرفته نشدن منافع آنها، در نتیجه عدم تعهد ذینفعان به اعمال سیاست‌ها، در مرحله اجرایی شدن با مشکل مواجه خواهند شد. خروجی نظام‌های سیاست‌گذاری سنتی گردشگری تأمین منافع و انتظارات دولت و گروه‌های نفوذ و ارائه خدمات گردشگری به‌عنوان یک محصول لوکس و انحصاری است. سیاست‌هایی که در نتیجه آنها توسعه ناپایدار گردشگری را در بسیاری از مقاصد گردشگری جهان شاهد بوده‌ایم.



شکل ۴: شمایی از نظام سیاستگذاری سنتی گردشگری (محققان، ۲۰۱۴)

سیاست‌هایی در نهایت قابلیت اجرایی شدن دارند که بر مبنای ایدئولوژی غالب حاکم بر جامعه و مشارکت تمامی ذی‌نفعان در سطوح مختلف تصمیم‌گیری شکل گرفته باشند، در سیستم معاصر سیاستگذاری گردشگری، ایدئولوژی غالب همسو با اصول توسعه پایدار است. نقش دولت به نظارت بر فرآیند سیاست‌گذاری و جهت‌دهی و هماهنگ‌سازی ذی‌نفعان درگیر در فرآیند محدود می‌شود. خروجی چنین نظام سیاستگذاری سیاست‌هایی است که تامین منافع همه ذی‌نفعان از جمله دولت و مردم و ارائه خدمات گردشگری به‌عنوان یک محصول همگانی و عمومی را تضمین می‌کند. مشارکت تمامی ذی‌نفعان در فرآیند سیاست‌گذاری و اعمال سیاستها، تعهد آنها به سیاستها و اجرای موفق سیاستها را تضمین خواهد کرد. وقتی به تمامی ذی‌نفعان مسئولیتی محول می‌گردد، طبیعتاً در قبال تصمیمات و اقدامات خود در برابر سایر ذی‌نفعان پاسخگو و مسئول خواهند بود. مشارکت از سویی بحث عدالت را در پی خواهد داشت چراکه همه ذی‌نفعان در صحنه حضور دارند و طی یک فرآیند شفاف و عادلانه به همان میزانی که استحقاق دارند منتفع خواهند شد. در چنین نظام‌هایی خارج شدن سیاستگذاری و اعمال سیاستها از انحصار دولت و گروه‌های نفوذ و همچنین توجه به نحوه و کیفیت تعاملات ذی‌نفعان، کارآمدی سیاستهای اتخاذ شده را به طرز محسوسی ارتقا می‌دهد.

نظام سیاستگذاری معاصر



شکل ۵: شمایی از نظام سیاستگذاری گردشگری معاصر مبتنی بر اصول حکمروایی خوب (محققان، ۲۰۱۴)

نتیجه‌گیری

ریشه عدم تحقق اصول گردشگری پایدار در جوامع را می‌توان در دو عامل اصلی نهادینه نشدن این اصول در نظام اخلاقی و ارزشی جوامع و بی‌توجهی به ضرورت ایجاد یک فرهنگ پایبندی به اصول پایداری و همچنین ضعف نظام سیاستگذاری سنتی حاکم بر گردشگری جستجو کرد. ایجاد فرهنگ پایداری مستلزم افزایش آگاهی جامعه نسبت به ضرورت حرکت به سوی سبک زندگی همراستا با اصول پایداری، تبدیل آگاهی به باور و گنجاندن این اصول در نظام ارزشی و اعتقادی افراد جامعه به گونه‌ای است که علاوه بر منطق و استدلال عقلانی، احساسات افراد نیز آن‌ها را به تعهد به این اصول وادارد. آموزش رسمی و غیررسمی موثرترین ابزاری است که جوامع برای ایجاد این تحول در اختیار دارند. از سویی محدودیت‌های نظام سیاستگذاری سنتی حاکم بر گردشگری موجب شکل‌گیری سیاست‌هایی شده است که در اکثر موارد قابلیت اجرایی ندارند، ارجحیت‌دادن به بعد اقتصادی توسعه، عدم مشارکت‌دهی موثر تمامی ذینفعان جامعه و بی‌توجهی به فرآیند و چگونگی تعاملات مابین ذینفعان تنها چند نمونه از محدودیت‌های نظام سنتی سیاستگذاری گردشگری است. حکمروایی خوب را می‌توان به‌عنوان مفهومی که یک نظام سیاستگذاری کارآمد باید بر مبنای اصول آن شکل گیرد و یک رویکرد عملی برای حرکت به سمت برنامه‌ریزی موفق توسعه پایدار گردشگری پیشنهاد نمود. در نهایت باید دانست همان‌گونه که کمپ و همکاران (۲۰۰۷) اشاره داشته‌اند: «توسعه پایدار به معنای تغییر جهت‌گیری توسعه است و به معنای رسیدن به یک حالت مطلوب ایستا نیست. توسعه پایدار یک فرآیند مداوم پیشرفت اجتماعی است که همواره مستلزم مراحل گذار و خلاقیت‌های نظاممند متعدد خواهد بود ...» (لیگی، ۲۰۱۱).

کتابشناسی

1. (n.d.). Retrieved 10 1, 2014, from <http://sdt.unwto.org/content/about-us-5>;
2. (n.d.). Retrieved 10 1, 2014, from <http://www.globalissues.org/article/26/poverty-facts-and-stats#src18>;
3. (n.d.). Retrieved 10 3, 2014, from <http://www.un.org/en/sustainablefuture/sustainability.shtml>;
4. (n.d.). Retrieved 10 3, 2014, from <http://www.balticuniv.uu.se/index.php/1d-what-we-believe-in--our-values-and-sustainable-development>;
5. (n.d.). Retrieved 10 3, 2014, from; http://www.unesco.org/education/tlsf/mods/theme_c/mod16.html;
6. Adams, W. (2006). *The Future of Sustainability Re-thinking Environment and Development in the Twenty-first century*. The world conservation union;
7. Alipour, H., Vaziri, R. K., & Ligay, E. (2011). *Governance as Catalyst to Sustainable Tourism Development: Evidence from North Cyprus*. *Journal of sustainable development*;
8. Blanke, J., & chiesa, T. (2013). *The Travel & Tourism Competitiveness Report :Reducing Barriers to Economic Growth and Job Creation*. World Economic Forum;
9. Bosselmann, Klaus, Engel, Ron and Taylor, Prue. (2008). *Governance for Sustainability – Issues, Challenges, Successes*. IUCN, Gland, Switzerland.
10. Byrd, E. T. (2007). *Stakeholders in Sustainable Tourism Development and their Roles: Applying Stakeholder Theory to sustainable tourism development*. *tourism review*;
11. Dodds, R. (2012). *Sustainable Tourism: A Hope or a Necessity? The Case of Tofino*, British Columbia, Canada . *Journal of sustainable development*;
12. Dodds, R., & Butler, R. (2010). *Barriers to implementing Sustainable Tourism Policy in Mass Tourism Destinations*. *TOURISMOS*, 35-53;
13. Gossling, S., Hall, M., & Weaver, D. (2009). *Sustainable Tourism Futures*. Routledge;
14. Hall, C. (2008). *Tourism Planning Policies, Processes and Relationships*. Pearson Education;
15. *International Association for Public Participation (2007) , Participation Specturm , Usa*. Access In Iap2 website: <http://www.iap2.org.au/spectrum.pdf>;
16. Ligay, E. (2011). *An Assessment of ‘Governance’ for Sustainable Tourism Development: the case of North Cyprus*. *Institute of graduate studies and research*;
17. McCool, S. F., & Moisey, R. (2008). *TOURISM, RECREATION AND SUSTAINABILITY: Linking Culture and the Environment*. CAB international.
18. Shafiei, Z. (2011). *Contested Understanding of Urban Governance*, PhD Thesis. Newcasel: Newcasel university;
19. *Sustainable Tourism for Development Guidebook . (2013)*. Madrid: UNWTO;
20. Swarbrooke, J. (1999). *Sustainable tourism management*. CAB international;
21. *World Tourism Organization (2014)*. *Tourism highlights*;
22. UNESCO. (2002). *Education for Sustainability . Johannesburg*;
23. UNEP. (2013). *Green Economy and Trade , Trends, Challenges and Opportunities*.
24. Available at: <http://www.unep.org/greeneconomy/GreenEconomyandTrade>;
25. *World Health Organization (WHO). (2008)*. *Safer Water, Better Health: Costs, benefits, and sustainability of interventions to protect and promote health; Updated Table 1: WSH deaths by region, 2004*.